

آتچه در بی می‌آید، مقدمه‌ای است اجمالی بر کاریکاتور ایران که سال‌ها پیش نگارش آن را به زنده‌یاد محمدرفع ضیایی، کاریکاتوریست پیش‌کسوت و نویسنده و پژوهشگر حوزه کارتون و کاریکاتور ایران، سفارش دادم. قرار بود ورودی کتابی باشد که به دلایلی هنوز منتشر نشده است. اختصاص صفحه‌ای به هنر کاریکاتور در روزنامه «شرق» را به فال نیک گرفتیم و مصمم شدیم صفحه را با یادداشت منتشرنشده زنده‌یاد ضیایی کلید بزنیم.

اگر این پیش‌فرض را قبول کنیم که طراحی کاریکاتور در ایران با مطبوعات آغاز شده و با آن رشد کرده است، پس تاریخچه‌اش با تاریخ مطبوعات در ایران کم‌وبیش برابر است. در این نوع نگرش، مقصود ما آن بخش از کاریکاتور است که به‌عنوان کارتون‌های مطبوعاتی در نشریات به چاپ رسیده و ارائه می‌شوند. بخش دیگری از طرح‌هایی را که دارای عناصر کاریکاتوری است، حتی در نگارگری قدیم ایران یا در کتاب‌های مصور کهن نیز می‌توان یافت. معمولا این هجویه‌های تصویری را نقاشانی گمنام طراحی می‌کردند و از این نظر به کاریکاتور نزدیک هستند که به ذکر عجایب و غرایب سرزمین‌های تخیلی یا باورهای اغراق‌آمیز مانند داستان‌های جن و پری و دیوها می‌پرداخته‌اند. هدف این مقاله، پرداختن به این بخش از نگاره‌های دارای عناصر اغراق‌آمیز نیست، بلکه منظور ذکر مقدمه‌ای است بر کاریکاتور ایران از زمان شروعیش در مطبوعات تا دودعه‌مانده به زمان حال.

نشریه «شاهسون» شاید قدیمی‌ترین نشریه طنزی باشد که از سوی عبدالرحیم طالبوف در سال ۱۸۸۸ میلادی در منطقه ما منتشر می‌شده است. این نشریه مخفیانه‌ی وارد کشور می‌شده و به مسائل داخلی ایران می‌پرداخته است.^۱ بعد از «شاهسون»، نشریه «التودد» چاپ مصر که به فارسی هم مطلب داشته، «شبنامه صراف» که در آذربایجان در سال ۱۸۹۲ میلادی انتشار می‌یافته و بالاخره «طلوع مصور» در ۱۰۰ بوشهر از سوی عبدالحمیدخان قفق، ملقب به متین‌السلطنه، در ۱۹۰۰ میلادی منتشر می‌شده است. «شاهسون» و «التودد» مصور نبوده‌اند. «شبنامه صراف» نشریه‌ای فکاهی- انتقادی و مخالف استبداد ناصرالدین‌شاهی بود که تقریبا چهار سال پیش از ترور شاه قاجار مخفیانه و با چاپ ژلاتینی در تبریز منتشر می‌شده است. این نشریه به دلیل امکانات چاپ ژلاتینی، دارای تصویر هم بوده است. «طلوع مصور» نیز یکی از قدیمی‌ترین نشریات طنز و فکاهی ایران است که با داشتن مجوز انتشار رسمی، تنها شش شماره در بوشهر نشر یافته است.

«طلوع مصور» دارای کاریکاتور بوده است؛ اما اینکه کاریکاتورهایش تولیدی بوده یا از نشریات خارجی برداشته می‌شده و اینکه چه کسی آنها را می‌کشیده است، به علت در دست‌نبودن نشریه نامشخص است.

در سال ۱۹۰۱ میلادی، برابر با ۱۲۸۰ خورشیدی، در پنجمین شماره نشریه «ادب» چاپ مشهد، کاریکاتوری از «حسین الموسوی»، نقاش‌باشی آستان قدس رضوی، منتشر شد که به‌تازگی در بعضی از مقالات اشاره کرده‌اند ازجمله اولین کاریکاتوره‌ای مطبوعاتی ایران است. با در نظر گرفتن «طلوع مصور» که نشریه‌ای صرfa فکاهی و کاریکاتوری بوده است و «شبنامه صراف» و احتمالا شبنامه‌های دیگری که در پایان دوران ناصری به‌صورت تکرورقی انتشار می‌یافته است، کاریکاتور «حسین الموسوی» در نشریه «ادب» را باید از اولین کاریکاتورهای مطبوعاتی ایران دانست و نه آغازی برای کاریکاتور مطبوعاتی در ایران.

برای اینکه مقایسه‌ای دربارهٔ ظهور کاریکاتور مطبوعاتی در ایران و اروپا داشته باشیم، به ذکر چند تاریخ اشاره می‌کنم:

مجله «کاریکاتور» در فرانسه به سال ۱۸۳۰ میلادی برابر با ۱۲۰۹ خورشیدی مقارن با سلطنت فتحعلیشاه قاجار، «شاری واری» در فرانسه به سال ۱۸۳۲ میلادی برابر با ۱۲۱۱ خورشیدی، مجله «پانچ» چاپ انگلستان به سال ۱۸۴۱ میلادی برابر با ۱۲۲۰ خورشیدی مقارن با سلطنت محمدشاه قاجار، نشریه «فلکنده پلاتر» به سال ۱۸۴۴ میلادی برابر با ۱۲۲۳ خورشیدی، چهار سال مانده به پایان دوره محمدشاه قاجار، نشریه «سیمپلی سیمی موس» در آلمان به سال ۱۸۹۶ برابر با ۱۲۷۵ خورشیدی مقارن با سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار و هشت سال قبل از انقلاب مشروطه.

بسیاری از بزرگان کاریکاتور جهان در این نشریات کار می‌کرده‌اند، ازجمله می‌توان به «دومیه»، «گرنویل»، «گاورانسی»، «چام»، «تینیل»، «جان لیچ»، «هاینه» و «کاسپار براون» اشاره کرد. با این حساب، چاپ کاریکاتوری در نشریه «ادب» لااقل باید ۲۰ سال بعد از انتشار مطبوعات طنز و فکاهی در اروپا باشد. این در حالی است که ما تنها به بعضی از نشریات چاپ اروپا اشاره کردیم؛ در غیر این صورت، اگر چاپ کتاب‌های کاریکاتور و تابلوهای کاریاتوری هنرمندانی مانند «هوگارت»، «گری»، «کاراکسی» و «بروگل» را به حساب آوریم، این زمان بسیار طولانی‌تر خواهد شد.

کاریکاتور در ایران با ظهور و امکان چاپ سنگی به مطبوعات راه یافت. علت اینکه «طلوع مصور» نتوانست بیش از شش شماره منتشر شود، نبودن امکان چاپ سنگی و گراورساز و طراح این کار بوده است. چاپ‌های دستی ژلاتینی نمی‌توانست گستره وسیع چاپ سنگی را داشته باشد. نشریه‌های ژلاتینی به صورت اعلامیه‌های تک‌ورقی به چاپ می‌رسید و بعضا دارای تصویر یا کلیشه‌ای بود که با کیفیت پایینی چاپ می‌شد. در شماره ۱۴۵ سال چهارم روزنامه «ادب» درباره چاپ کاریکاتور آمده است: «هواخواهان مکرر از ما کاریکاتور که در نظر ارباب نظر خیلی مطبوع است خواستارند، اما به علت مقدورنبودن چاپ سنگی این کار میسر نمی‌شود.»

با ظهور نشریه «ملاصرالدین» در سال ۱۹۰۶ میلادی برابر با ۱۲۸۵ خورشیدی، امکانی جدید برای الگو قرارگرفتن این نشریه فراهم شد. «ملانصرالدین» از نظر ادبی، شیوه پرداختن به مسائل طنز و فکاهی و نوع سوزنی‌های و همچنین از نظر تصویری مورد تأیید نشریات طنز ایران قرار گرفت و تا مدت‌ها تأثیر عمده‌ای بر نشریات طنز و فکاهی منطقه بر جا گذاشت.

نشریات طنز و فکاهی ایران در مقاطع مختلف سیاسی نیز قابل بررسی هستند. به‌طورکلی این مقاطع را از نظر سیاسی می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

۱) پیش از مشروطه تا زمان پیروزی انقلاب مشروطه ایران؛ در مجموع پنج نشریه.
۲) از پیروزی انقلاب مشروطه ایران تا سقوط حکومت قاجار که شامل دو مرحله مشخص تاریخی می‌شود: الف: از پیروزی مشروطه تا به‌توپ‌بستن مجلس شورای ملی و توقیف نشریات
ب: از سقوط محمدعلی‌شاه قاجار تا پایان دوره قاجاری
در مرحله اول که دوران شکوفایی مطبوعات طنز بعد از پیروزی مشروطه بوده؛ ۲۰ نشریه انتشار یافته است. در مرحله دوم نیز بعد از خلع محمدعلی‌شاه تا پایان دوره قاجار در مجموع ۳۲ عنوان نشریه جدید منتشر شده است.

۳) از روی کارآمدن رضاشاه تا شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی در مجموع ۲۰ عنوان نشریه جدید طنز و فکاهی همراه با کاریکاتور منتشر شده است.

۴) از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ کل نشریات طنز

یادداشتی منتشرنشده از زنده‌یاد محمدرفع ضیایی

از هجویه‌های تصویری تا کارتون‌های مطبوعاتی



عکس، طراحی از مجله عناصرالدین

و فکاهی این دوره ۶۹ عنوان بوده است.

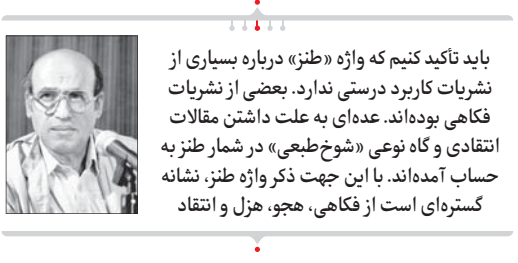
۵) از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی تا سال ۱۳۵۷؛ در مجموع ۱۰ عنوان، که سه عنوان آن مربوط به انتشار مجدد هفته‌نامه، ماهنامه و سالنامه «توفیق» است که در سال ۱۳۵۰ برای همیشه توقیف شد و چند ضمیمه فکاهی در نشریاتی چون «تهران مصور» و «کشکیات». از این میان، در اصل، تنها مجله «کاریکاتور» به سردبیری محسن دولو را می‌توان بعد از ۱۳۴۷ معتبر دانست.

۶) از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا زمان حال.

جمع نشریات پنج دوره اول قریب به ۱۵۰ عنوان نشریه می‌شود که با افزودن تقریبی ۵۰ نشریه بعد از انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که در این شش دوره تاریخی نزدیک به ۲۰۰ نشریه طنز و فکاهی در ایران منتشر شده است.

در هر دوره‌ای تعدادی از نشریات دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند و از نظر نوشتاری یا تصویری در خاطره‌ها مانده‌اند. در دوره اول، «شاهسون»، «ادب» و «شبنامه صراف»؛ در دوره دوم، «آذربایجان»، «نسیم شمال»، «کشکول»، «پهلول» و نوشته‌های «دهخدا» یا امضای «دخو»، «صوراسرافیل»، «حشرات‌الارض»، «گل زرد»، «قرن بیستم» و «ناهید»؛ در دوره سوم نشریات «ناهید» و «امید»، در دوره چهارم نشریات «باباشمل»، «شهر فرنگ»، «چلنگر» و «حاجی‌بابا»؛ و در دوره پنجم نشریات «توفیق» و «کاریکاتور» محسن دولو.^۲

دوره ششم شامل نمونه‌های مختلفی از مطبوعات طنز و فکاهی است. از جمله ادامه‌شده طنز و فکاهی سنتی در ایران که نمونه بارز آن نشریات «گل‌آقا» است. ظهور نشریات تخصصی طنز-تصویری مانند «کیهان کاریکاتور» و همچنین ماهنامه «طنز» و کاریکاتور» به سردبیری «جواد عزیزاده» که از سال ۱۳۶۹ تا امروز منتشر می‌شود. ارائه کاریکاتور مطبوعاتی در بسیار از روزنامه‌ها و نشریات سیاسی و اجتماعی نیز از دیگر تحولات دو دهه اخیر بوده است.



باید تأکید کنیم که واژه «طنز» درباره بسیاری از نشریات کاربرد درستی ندارد. بعضی از نشریات فکاهی بوده‌اند. عده‌ای به علت داشتن مقالات انتقادی و گاه نوعی «شوخ طبعی» در شمار طنز به حساب آمده‌اند. با این جهت ذکر واژه طنز، نشانه گستره‌ای است از فکاهی، هجو، هزل و انتقاد

در نشریات دوره‌های نخستین با موضوعات مختلفی روبه‌رو می‌شویم که اهم آنها عبارت‌اند از: روی جلد، پشت جلد، سرمقاله، شعر، لطیفه، نکته، داستان کوتاه، کلیشه‌های تزیینی، مصورسازی لطیفه‌ها، کاریکاتور چهره و کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی. بنا به تجربه عظیم ایرانیان در زمینه ادبیات به‌ویژه در شعر، اشعار ارائه‌شده در این نشریات دارای قالب‌بندی و قدرت بیشتری هستند. نوع ساده‌نویسی در قطعه‌ها و داستان‌های کوتاه نیز درخور توجه و بررسی است؛ اما درباره تصویر تا مدت‌ها به علت مشکلات چاپ سنگی صفحات خادنی را که معمولا روی جلد و پشت جلد بوده به کاریکاتور اختصاص می‌دادند. یکی از مشکلات این‌دسته از کاریکاتورها این است که بسیاری از آنها امضا ندارند و اگر هم امضا دارند چندان خوانا نیست.

در مواردی شیوه و سبک کار نیز کاملا در حال تغییر است و نشان می‌دهد از تصاویر دیگران به‌ویژه کارهای خارجی اقتباس می‌شود. این روند دست‌کم تا پایان دهه ۱۳۳۰ ادامه دارد. اغلب طراحان این کاریکاتورها

نقاشان زبردستی هستند و آتلیه شخصی و کارگاه‌های آموزش هنری دارند.

بسیاری نیز به کارهایی دیگری چون طراحی جلد و تصویرسازی کتاب

می‌پردازند. بیشتر کارهای آنها به طراحی شباهت دارد تا کاریکاتور. اولین کاریکاتورها دارای گویش‌های بادکنکی یا بال‌های گویش نیستند. گرچه همه کاریکاتورها دارای شرح است و این شرح‌ها یا به‌صورت نوشته زیر کاریکاتور یا به شماره‌گذاری هر صفحه‌ای در حاشیه طرح توضیح داده شده است.

بسیاری از هنرمندان در آن دوره در چاپخانه‌ها به‌عنوان گراورساز کار می‌کرده‌اند. گراورسازان افراد هنرمند و ماهری بودند که طرح‌های دیگران

کارتون

پیشگامان کارتون ایران

جعفر تجارتچی

جعفر تجارتچی، کاریکاتوریست مشهور روزنامه «توفیق» و از پیشگامان هنر کاریکاتور مطبوعاتی و همچنین فیلم نقاشی متحرک در ایران است. او افسر نیروی هوایی بود و از اوایل دهه ۱۳۲۰ شروع به طراحی کارتون و کاریکاتور کرد. وی با نشریات مطرح زمانه‌اش مانند توفیق، سپید و سیاه و تهران مصور کار کرد. تجارتچی را می‌توان مبتکر چند طرح تازه در کاریکاتور ایران دانست؛ ابداع روش روایی در تصویرهای دنباله‌دار به صورت کمیک‌استریپ، خلق تیپ‌های اجتماعی در کاریکاتور و کوشش برای ساخت انیمیشن و متحرک‌سازی در کاریکاتور از آن دسته‌اند. وی بسیاری از داستان‌های کهن ایران را به صورت کمیک‌استریپ مصور کرد. برخلاف آنچه درباره او در کتاب سیر تحولات کاریکاتور در ایران تألیف حمید ساهر و برخی منابع دیگر درج شده است، تجارتچی نه در دهه ۴۰ خورشیدی، بلکه تا چند دهه بعد از آن هم زنده بوده است. او به آمریکا مهاجرت کرده بود و سال‌های پایانی عمرش را در آمریکا ساکن بود و سرانجام در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۸۰ در لس‌آنجلس درگذشت.



عکس، طراحی از مجله عناصرالدین

روزنه

پنجمین موزه کارتون دنیا

موزه کارتون و کاریکاتور تبریز، نخستین موزه کارتون در سطح قاره آسیا و پنجمین موزه در سطح جهان و همچنین اولین و تنها موزه کارتون و کاریکاتور ایران است. بعد از موزه طنز و کارتون گابرو بلغارستان، می‌توان گفت این موزه از نظر وسعت دومین موزه بزرگ دنیاست. موزه کارتون تبریز در اسفندماه ۱۳۸۵ و در بخش غربی خانه هنر این شهر تأسیس شده است. بنای این مجموعه در سال ۱۳۷۸ و همزمان با کاخ شهرداری تبریز در زیربانی به وسعت ۲۸۴ متر ایجاد شده است.



بعدها به‌عنوان باشگاه افسران، رستوران، کمیته انقلاب اسلامی، کتابخانه ملی تبریز و نهایتا موزه کارتون تبریز استفاده شده‌است. این مکان وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است اما بودجه سالانه ندارد و از محل درآمدهای انجمن کارتونست‌های تبریز و حمایت‌های دولتی اداره می‌شود. موزه کارتون تبریز دارای دو گالری با نمایش ۶۰ اثر از آثار اصل بزرگ‌ترین کارتونست‌های جهان، یک کتابخانه تخصصی، کلاس آموزشی و امور اداری است. در مخزن این موزه ۲۰ هزار اصل از هنرمندان صد کشور جهان نگهداری می‌شود. این موزه در سال ۱۳۹۰ میزبان دومین نشست رؤسای موزه‌های کارتون و کاریکاتور جهان بود و نمایندگان جمهوری از ایتالیا، فرانسه، ترکیه، جمهوری آذربایجان، سوریه، بلژیک و… در این نشست حضور یافته بودند. در این موزه غیر از دو مجسمه کارتون ساخته آقای مغفوربون، کلکسونی از پوستر، کارت‌پستال، تمبر و کارت ویزیت‌های کارتونی و کتاب‌های چاپ‌شده کارتون در تبریز را می‌توانید تماشا کنید. درهای موزه کارتون تبریز واقع در باغ گلستان، روبه‌روی هنرستان وحدت در تمام روزهای هفته برای بازدید علاقه‌مندان باز است.

خط و نقطه

کارِ نویست!



آر وین *

جای خرسندی است که در یکی دو دهه اخیر، کاریکاتور یا کارتون در ایران جانی نو و صورتی هماهنگ‌تر با تحولات مدنی و اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته و در کنار پویایی و رشدش، که مرهون فعالیت و تلاش پیش‌کسوتان و هنرمندان کارتونیست ایرانی بوده، بسیاری از خصلت‌های آن و کاربردهایش بیشتر شناخته شده است. امروز دیگر فهم و درک کارتون‌های بدون شرح نزد مخاطب عام ساده‌تر شده است و اگر برای فهم یک کارتون نیاز به کشف رمز هم باشد، در صفحات روزنامه و وب‌لایه‌ی تیتیر اخبار می‌تواند آن را بیابد!

کارتون می‌تواند از حیث مفهوم کاربردش، سطحی‌نگرانه، روزمره، سرگرمی صرف (مانند فست‌فود باشد زود آماده و

زود مصرف شود!) یا متصور مفهومی ژرف و بکر باشد و این

جدا از اینکه به طراح اثر، ذهنیت و بضاعت دانش و تجربه او

وابسته است؛ با عوامل دیگری همچون رسانه سفارش‌دهنده

است و هرچه رسانه‌ای مستقل‌تر باشد، کارتونیست آن

رسانه هم باید بتواند با استقلال بیشتری به طرح موضوعات

و ایده‌هایش بپردازد.

از منظری دیگر آنچه امروز در مطبوعات و روزنامه‌های

کثیرالانتشار به عنوان کارتون مشاهده می‌کنیم، عموما کارتون

نیست. طنز در بسیاری از موارد غایب است و آنچه باقی مانده تنها

تصویرسازی یک خبر است. انکار کارتونیست موظف بوده یک خبر

و تیتیش را بخواند و برای آن نقشی فانتزی را قلمی کند و تلویحا

اعلام کند که بله، خبر را خوانده و احتمالا فهمیده است. بی‌آنکه

از خودش تحلیلی خاص یا نگاهی ویژه را ارائه بدهد. بی‌آنکه

کسی را بخنداند و چیزی بیش از یک تصویر کمیک و اشباح از رنگ

و فرم را مانند همیشه نشانمان داده باشد. این‌چور مواقع است که

می‌گوییم طنزش جا نرفته‌اده بود و اصطلاحا کارش «خبرمان نکرد».

کاریکاتورها یا کارتون؟

لازم است تکلیف‌مان را با این اشتباه لفظی مشخص کنیم. آنچه عموما به عنوان کاریکاتور تا به امروز شناخته‌ایم، کارتون است. آنچه کارتون امش بود در سینما و رسانه‌های تلویزیونی برای کودک و نوجوان تولید می‌شد، انیمیشن یا کارتون انیمیشن یا کارتون متحرک و البته نام ایرانی مصوب و امروزی‌اش هست پویابمایی.

پس کاریکاتور چیست؟ کاریکاتور درواقع همان است که ما به آن می‌گوییم: کاریکاتور چهره. وقتی بگوییم کاریکاتور چهره مثل این است که گفته باشیم نمکدان نمک. نمکدان کافی است! به ترسیم اغراق‌آمیز از چهره افراد کاریکاتور می‌گویند. کاریکاتور در کارتون‌های روزنامه‌ای و سیاسی نیز جای می‌گیرد. یعنی می‌تواند بخشی از یک کارتون مطبوعاتی باشد. اما به تنهایی سوره ندارد و تنها موضوعش شخصی است که چهره‌اش به اغراق ترسیم شده و کاریکاتور شده است. باری ۱۰۰سالی هست که ناخودگاه تصمیم گرفتیم روی کارتون‌نامیدن کارمان تأکید بیشتری کنیم و حسابش را از باقی جدا کنیم.

ایرانیا، ۱۱ سال است که با نام کاریکاتور که از این پس در این متن و سایر متون کارتون خوانده می‌شود و تصویرسازی‌های طنزآمیزی که خاستگاهشان همواره رسانه و به طور خاص روزنامه بوده است، آشنا هستند. نمی‌گوییم آن را می‌شناسند چون در میان خود کارتونیست‌های ایران و جهان نیز هنوز مرزهای ناشناخته این هنر بی‌شمارند و ما بیشتر با آن جنبه‌هایی از کارتون آشنا مانده‌ایم که در روزمرگی‌مان راه پیدا کرده و تکرار شده و توانسته هر روز در کنار مردم باشد و به چشم آید و بخنداند. باید بدانیم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این هنر امکان ابداع و نوآوری در سبک و زاویه نگاه و طنزپردازی بکر و نمایش استادی تمام است نه پیروی کورکورانه از شیوه‌های نخبم‌ای آزموده و تکرار کلیشه‌های کارتونی توفیقی و گل‌آقایی و غیبت تدریجی روشنگری و افول نگاه نقانده و موشکافانه روان‌شناس، جامعه‌شناس و مردم‌شناسی که کارتونیست نام دارد و به‌اشتباه سهوا کاریکاتوریست خطاب شده است.

مخلص کلام اینکه آنچه برای انسان هویت‌آفرین و اسباب تمایز و تأثیرگذاری و شناسایی است، شیوه و زاویه دید یک شخص است به جهان هستی، مسائل پیرامون و موضوعات اجتماعی و سیاسی و آنچه یک کارتوننیست را متمایز کرده و اثرش را ارزشمند می‌کند همین نگاه خاص و طنز بکر اوست که بوی تازگی می‌دهد و با طنز و لودگی‌های برخی از سیاسیون پشت تریبون فاصله دارد و مصور جوک‌های عوامانه و مقلد سبک لمپنیسم رایج میادین زورگیری و تریبون‌های عوام‌فریبانه و تلخند رایج در میتینگ‌های پوپولیستی نیست.

«کارتونیست مطبوعاتی و روزنامه‌نگار

